



رجوع به قرآن و نهج البلاغه در حوزه معماری تحول ایجاد می کند/ در شهر اسلامی دادن تراکم نیازمند اجازه همسایه است

یک عضو گروه معماری و هنر اسلامی دانشگاه تربیت مدرس با بیان اینکه با رجوع به قرآن و نهج البلاغه می توانیم در حوزه معماری تحول ایجاد کنیم...

یک عضو گروه معماری و هنر اسلامی دانشگاه تربیت مدرس با بیان اینکه با رجوع به قرآن و نهج البلاغه می توانیم در حوزه معماری تحول ایجاد کنیم، گفت: در شهر اسلامی برای دادن تراکم اجازه همسایه شرط است. به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر محمدرضا پورجعفر عضو گروه معماری و هنر اسلامی دانشگاه تربیت مدرس به تبیین طرح خود در خصوص تحول در حوزه معماری و هنر اسلامی پرداخت. او معتقد است که با مراجعه به قرآن و نهج البلاغه می توانیم به ویژگیهای شهر اسلامی نزدیک شویم. آنچه در ادامه می آید متن مصاحبه ما با وی است.

***آقای دکتر! به عنوان سؤال اول، شهر اسلامی چه ویژگی هایی دارد؟**

شهر اسلامی شهری است که ما برای داشتنش تلاش می کنیم و با اندوخته های فرهنگی پیشین جامعه و آموزهای دین اسلام قرابت نزدیکی دارد؛ شهری که بر حسب نیاز و قرائت های خودش و دانشی که از اسلام داشته درست می شود و اسمش را شهر اسلامی گذاشته اند. ولی اگر بخواهیم تعریف درستی ارائه دهیم شهری است که ما می خواهیم و سعی می کنیم آن را داشته باشیم، حالا هر کسی با قرائت خودش از اسلام آن شهر را می بیند. من خودم یک شهر آرمانی و اسلامی را مطرح کردم که در اصل بهشت گونه است تا وقتی که به معرفت اسلامی نرسیم نمی توانیم این شهر را داشته باشیم. در اصل باید به آن معرفت اسلامی برسیم تا بتوانیم شهر بهشتی داشته باشیم، ولی وظیفه ما در راستای حرکت به سمت ایجاد اینگونه فضای بهشت گونه است.

***در آرمان شهر اسلامی مورد نظرتان باید معماری و اصول شهر سازی از آموزه های دینی گرفته شده و آموزه دینی در آن شهر حاکم باشد؟**

بله دقیقاً همین طور است. مثلاً ببینید قزوین به عنوان شهر اسلامی دوران صفویه است، آیا آن چیزی که اسلام می خواهد دقیقاً همان شهر است، این شهر یک برداشت هایی از اسلام کرده و به آن شهر اسلامی می گوئیم ولی در اصل این شهر آرمانی اسلامی نیست که همه چیزش منطبق بر اسلام باشد و باید تلاش کنیم با رجوع به قرآن، نهج البلاغه و احادیث برای آن آرمان شهر اسلامی شاخص سازی کنیم.

***آقای دکتر! نقش آموزه های دینی در این شهر چگونه است؟**

آموزه های دینی به دو دسته تقسیم می شود؛ آموزه ای که می شود از آنها شاخصهای شهر اسلامی را استنباط کرد و روش فیزیکی را بهره گرفت، مثلاً باید در شهر اسلامی تا 40 خانه همسایه محسوب شوند و اندازه ای خاص دارد ولی یکسری مباحث اصول ارزشی است؛ مثلاً عدالت، وقتی شما در شهر می خواهید تراکم واگذار کنید باید عادلانه باشد نه اینکه هر کسی هر چقدر پول داد. باید ببینیم تراکم حق الناس است یا حق حکومت یا دولت. اگر حق الناس است باید براساس آموزهای دینی، همسایه رضایت بدهد تا نور و آفتاب را از او بگیری و اگر راضی نیست شهرداری نمی تواند مجوز تراکم بدهد.

***شما برای تحول در این حوزه و فراگیری معماری اسلامی چه راهکاری پیشنهاد می دهید؟**

با رجوع به قرآن و نهج البلاغه می توانیم در حوزه معماری اسلامی تحول ایجاد کنیم. ببینید شهر باید پاک باشد و بتواند نیازهای خودش را در درون خودش تأمین کند، مثلاً اگر ما تهرانی درست کنیم که آبش را از کرج بیاوریم این درست نیست، یا هر کسی پول بیشتر داد مجوز ساختن ساختمان به او بدهیم درست نیست زیرا آن شخص با پول بیشتری که دارد حق همسایه را ضایع می کند، اینکه اسلامی نیست، همین جا متوجه می شویم که تعریف شهر اسلامی کنونی و شهر اسلامی آرمانی که همان بهشت است با هم متفاوت است.

***آقای دکتر انسان و علوم انسانی در شهر سازی اسلامی چه جایگاهی دارد؟**

انسان در شهر آرمانی محور نیست، این خداست که محور است و انسان هم باید خدا را ناظر بر کارهایش بداند این شهر هم

همین طور است انسان باید در این شهر نیازهایش تأمین شود، منتهی نیازهای حلال که حق اوست. البته در اکثر شهرها اینطور نبوده است و اسلام کنونی ما برداشت ماست و بگویم پیامبر اکرم (ص) اقداماتی کرد و از آن موقع تا حالا ما در همین راستا پیش می‌رویم در حقیقت همان تعریف مسلمانان و اسلام است.

بینید شما سعی می‌کنید انسان خوبی باشید ولی معصوم نیستید. این شهر هم همین طور است، هر چه شهر از آموزه دینی بیشتر بهره بگیرد اسلامی تر است و هر چه از این آموزه‌ها بی‌خبرتر و بی‌اطلاع تر باشد اسلامی نیست، اگر شهر مسجدمحور و خدا محور باشد اسلامی تر است ولی اگر همه شاخصها را داشته باشد آن بهشت است و سعی ما رسیدن به آن است، و می‌شود شاخصها را از آموزه‌های دینی استخراج کرد، قرآن برای هدایت انسان آمده و ما می‌بینیم پیامبر اقدامات عمرانی کرد و مسجد قبا را ساخت.

علم هنر هم جایگاه والایی در شهر سازی اسلامی دارد چون اصولاً قرآن هنرمندانه نوشته شده و کلام خدا هنرمندانه است، پیامبر خدا هم اصولاً هنرمند است و نگاه خاصی به هنر دارد. در تاریخ است که وقتی مسجد نبی را می‌ساختند از پیامبر می‌پرسند دیوارهایش به چه میزان بلند باشد می‌فرمایند به اندازه یک آدم خوش قد و قوراه.

انسان درک هنری دارد و هنر دوست است در نتیجه شهر اسلامی باید هنرمندانه طراحی شود منتهی هنر در معنای واقعی اش نه هنر به معنای art که زشتی‌ها و برهنگی هم هنر است، این هنر غرب است هنری که با آموزه‌های اسلامی در تضاد باشد را هنر نمی‌دانیم، و بشری که هنر نداشته باشد اصولاً انسان نیست.

*در قدیم خانه‌ها به گونه‌ای ساخته می‌شد که به هم اشراف نداشتند و کسی خانه دیگری را نمی‌دید اما اکنون عنصر حیا با وجود فراگیر شدن معماری غربی و مدرن کمرنگ شده؛ از نظر شما علت این موضوع چیست؟

غرب هیچ وقت نمی‌گوید پنجره‌ها بیشتر باشد بهتر است، غرب می‌گوید آنجا که شرایط فراهم است، آنجا که پرتی حرارت وجود دارد از شیشه‌ها و پنجره بیشتری استفاده کنیم یا نمی‌گوید همه جا شیشه بزرگ استفاده کنیم این باید با توجه به اقلیم خاص هر منطقه باشد، منتهی ما یک تکه از حرف غرب را گرفته ایم و به عنوان مد استفاده کرده‌ایم، البته غرب هم در حد خودش علمی برخورد می‌کند ولی از معرفت دینی برخوردار نیست ما می‌بینیم مصرف انرژی در خانه‌های غربی به خوبی رعایت شده البته توجه ای به اشراف به خانه ندارد که اگر شیشه‌ها بزرگ بود ممکن است چه اتفاقی بیافتد.

مصرف انرژی در خانه‌های غربی رعایت شده است ولی برخی مسائل ارزشی مثل اشراف اهمیت نمی‌دهند ولی آنها هم در دین خودشان به این قضیه‌ها اهمیت می‌دادند منتهی بعد از رنسانس که دین را از اوضاع اجتماعی جدا کردند به این وضع کشیده شدند، قبلاً این طور نبود مثلاً راهبه را ببینید که چطور حجاب را رعایت می‌کند.

کلید واژه‌های مطلب: عضو گروه معماری و هنر اسلامی دانشگاه تربیت مدرس | محمد رضا پورجعفر | اسلامی سازی علوم انسانی